

نشده است. تعیین مرزهای دریایی به علت وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در منطقه برای دو کشور بسیار حائز اهمیت است. در خلیج سلوا، بین عربستان سعودی و قطر، ذخایر نفت وجود دارد. اما تعیین مرزهای دریایی به علت خصوصیات فیزیکی خلیج فارس، یعنی وجود جزایر، سکوهای شنی و تپه‌های مرجانی، بسیار پیچیده است. بنابراین، حتی اگر دو کشور حسن نیت هم داشته باشند، تعیین مرزهای دریایی آنها ممکن است سالها به طول انجامد.

۲- افزایش نفوذ انگلیس و آغاز اختلاف‌ها

سابقه اختلاف‌های مرزی و ارضی عربستان سعودی با قطر به اواسط قرن نوزدهم باز می‌گردد. در سال ۱۸۶۸ شیخ زاید بن خلیفه حاکم ابوظبی با همکاری محمد بن خلیفه به قطر حمله برد. ژنرال «بلی»^(۷) کنسول انگلیس به مداخله پرداخت و حاکم بحرین را مجبور نمود که از حکومت کناره‌گیری کند. اما کنسول انگلیس ابوظبی را به پرداخت ۲۵ هزار لیره جریمه محکوم ساخت و قرار شد ۹ هزار لیره آن فوراً و بقیه در دو قسط پرداخت شود.

دولت انگلستان بعداً از دریافت باقیمانده پول صرف نظر کرد و به منظور توسعه نفوذ خود، به زید بن خلیفه حاکم ابوظبی پیشنهاد کرد قریه «العیدید» واقع در قطر را به متصرفات خویش ملحق سازد و به این وسیله قلمرو حکومت خود را تا پانصد کیلومتری شمال قطر امتداد دهد، اما اهالی العیدید با تصمیم بریتانیا مبنی بر پیوستن به ابوظبی مخالفت کردند و ژنرال بلی نیز که به توانایی خود در فرونشاندن آتش ترمز اهالی این منطقه اطمینان نداشت، موقتاً از اجرای این تصمیم صرف نظر کرد.^(۸) دلیل اصلی ژنرال بلی در مورد تشویق شیخ ابوظبی برای تصرف العیدید، پیدا شدن ترک‌های عثمانی در قطر در سال ۱۸۷۱ بود. ترک‌ها در این سال قطر را به اشغال خود درآوردند و سپس شروع به احداث یک پادگان نظامی در آنجا کردند. قبل از آن نیز به نوشته دائرةالمعارف بریتانیکا «قطر برای سالهای طولانی تحت حکومت ایران بوده و هر سال ۳ هزار روپیه به حاکم بوشهر برای حق ماهیگیری و صید مروارید پرداخت می‌کرده است»^(۹).

به هر حال، از سال ۱۸۷۱ تا سال ۱۹۱۳ قطر در تصرف ترک‌ها بود. حضور ترک‌های عثمانی در قطر موجب شد که در اختلافات مرزی و ارضی بین قطر و ابوظبی، دولت انگلستان از ابوظبی که تحت حمایت آن بود، طرفداری کند. به همین جهت، در سال ۱۸۷۸ دولت انگلستان اعلام کرد که خورالعیدید متعلق به ابوظبی می‌باشد. پایه استدلال دولت بریتانیا در این مورد، اشغال این باریکه ساحلی در سال ۱۸۶۹ توسط قبیله «بنی یاس» بود. اما حاکمان قطر این مساله را نپذیرفتند و چند بار تلاش کردند کنترل مجدد این ناحیه را در دست گیرند؛ دولت بریتانیا نیز هر بار مانع این کار شد.

در ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۳ قراردادی بین دولت بریتانیا و دولت عثمانی به امضاء رسید که به موجب یکی از بندهای آن، دولت عثمانی از حاکمیت بر قطر صرف نظر کرد. پس از خروج نیروهای عثمانی از قطر، دولت بریتانیا حکومت شیخ عبدالله بن جامع حاکم قطر را به رسمیت شناخت و در سال ۱۹۱۶ قراردادی شبیه دیگر قراردادهای دولت بریتانیا با شیوخ امارات خلیج فارس، با وی به امضاء رساند. از این تاریخ، قطر تحت حمایت بریتانیا درآمد.

به موجب یکی دیگر از بندهای قرارداد ۱۹۱۳ منطقه حساء^(۱۰) که همزمان با اشغال قطر در سال ۱۸۷۱ به تصرف نیروهای عثمانی درآمده بود، به عربستان سعودی واگذار شد. حساء منطقه‌ای است نفت خیز در کرانه خلیج فارس و در مغرب بحرین که از شمال به کویت و از جنوب به قطر منتهی می‌گردد و طول کرانه‌های آن به ۲۵۰ مایل می‌رسد. مرکز آن هفوف است و دو شهر دهران و دمام از مراکز صنعت نفت این منطقه به شمار می‌روند. واگذاری حساء به عربستان سعودی موجب شد که این کشور در غرب قطر و بحرین به سواحل خلیج فارس دسترسی یابد و با این دو کشور همسایه گردد.

۳- خط مرزی نجد (ژوئیه ۱۹۱۳)

همسایه شدن عربستان با قطر و بحرین ایجاب می‌کرد که مرزهای این سه کشور نیز در این منطقه مشخص شود. در نتیجه، به موجب یکی دیگر از بندهای قرارداد ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۳، مرزهای قطر و بحرین با عربستان سعودی معین گردید. این خط مرزی از شمال تا جزیره زخونیه و از شرق در طول ساحل تا قاعده شبه جزیره قطر و در غرب از خلیج سلوا در جنوب قطر تا ربع الخالی

نگاهی به اختلاف‌های مرزی قطر و عربستان

● از: دکتر اصغر جعفری ولدانی

۱- مقدمه

● در سپتامبر ۱۹۹۲ نیروهای نظامی عربستان سعودی به قطر تجاوز کردند و بخش‌هایی از خاک این کشور را به تصرف درآوردند. به دنبال آن، قطر اجرای قرارداد مرزی ۱۹۶۵ با عربستان سعودی را به حال تعلیق درآورد و به عنوان اعتراض از شرکت در جلسات شورای همکاری خلیج فارس اجتناب کرد. بعد از ۳ ماه کشمکش، سرانجام با میانجیگری مصر، دو کشور موافقتنامه‌ای برای حل و فصل اختلافات مرزی شان منعقد کردند که به موجب آن قرار است کمیسیونی برای تعیین مرزهای دو کشور تشکیل شود. این چندمین موافقتنامه مرزی است که بین دو کشور منعقد می‌گردد، با این حال تاکنون مرزهای بین آنها به طور نهایی تحدید نشده است. اکنون این ستولات مطرح می‌گردد:

- علل تجاوز نظامی عربستان سعودی به قطر چه بود؟

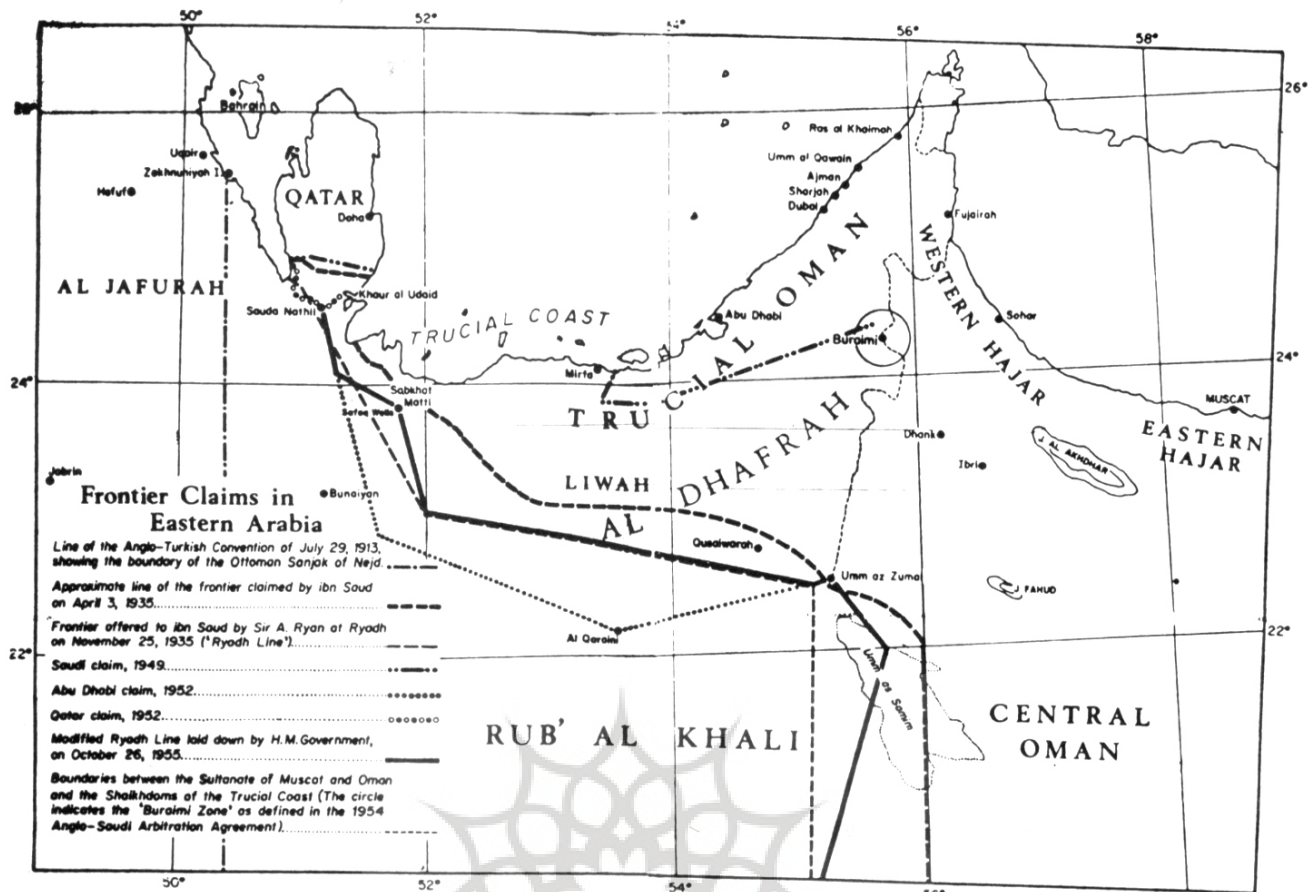
- چرا قطر در مقابل عربستان سعودی واکنش‌های «تندی» از خود نشان داد؟

- نقش دولت‌های ثالث در اختلافات مرزی و ارضی بین عربستان سعودی و قطر چیست؟

هدف این مقاله یافتن پاسخی برای ستولات مذکور است، اما نخست باید موقعیت جغرافیایی مناطق مورد اختلاف را مشخص کرد.

از نظر جغرافیایی، اختلافات مرزی و ارضی عربستان سعودی و قطر شامل باریکه‌ای از اراضی جنوبی قطر می‌شود. عربستان سعودی مدعی مالکیت ۲۳ مایل از سواحل جنوب شرقی قطر است^(۱) اما اختلافات ارضی تنها محدود به این قسمت نمی‌شود، بلکه دو کشور در مورد مرزهای جنوب غربی و سلوا^(۲) نیز با یکدیگر اختلافات ارضی دارند^(۳). بنابراین، اختلافات مرزی و ارضی بین دو کشور از خلیج «سلوا» واقع در جنوب غربی قطر آغاز و تا «خورالعیدید»^(۴) واقع در جنوب شرقی قطر امتداد می‌یابد.

نسبت به اراضی جنوب شرقی قطر، ابوظبی نیز ادعاهاتی دارد. هرچند هنگام حل و فصل اختلافات مرزی و ارضی عربستان سعودی با ابوظبی در ۱۹۷۴ در مورد واحد بوریمی این اختلاف ظاهراً حل شد، اما هنوز به صورت یک مسئله بین سه کشور باقیمانده است. برخورد‌های مرزی سپتامبر ۱۹۹۱ بین عربستان سعودی و قطر در همین محل روی داد. علاوه بر آن، مرزهای برون ساحلی^(۵) عربستان سعودی و قطر هنوز تحدید



ضعیف و فقیر بودند. در حالیکه عربستان سعودی در این زمان نسبت به شیوخ مذکور از نظر نظامی قوی تر و از نظر اقتصادی ثروتمندتر بود، زیرا این کشور هر سال با برگزاری مراسم حج درآمد قابل توجهی به دست می آورد.

به هر حال، انگلیسی ها در صدد برآمدند از گسترش قلمرو عربستان سعودی به طرف شیخ نشین های خلیج فارس جلوگیری کنند انگلیس در قرن نوزدهم با انعقاد قراردادهای متعدد با شیوخ این منطقه، مسئولیت روابط خارجی و حفظ امنیت آنها را برعهده گرفته بود. به عبارت دیگر، شیخ نشین های جنوبی خلیج فارس از مناطق نفوذ انگلستان به شمار می رفتند. در راستای این سیاست، در ۲۰ مه ۱۹۲۷ معاهده جده بین انگلستان و عربستان سعودی به امضاء رسید. به موجب ماده ۶ این قرارداد: «اعلیحضرت پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن تعهد می نماید که روابط صلح آمیز و دوستانه خود را با کویت و بحرین و مشایخ قطر و ساحل عمان که دارای معاهدات مخصوصی با دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس می باشند، محفوظ بدارد».

انگلستان، به موجب معاهده مذکور، مانع از پیشروی عربستان سعودی و الحاق امارات جنوبی خلیج فارس، منجمله قطر، به خاک آن کشور شد، اما این معاهده اشاره ای به مرزهای عربستان سعودی و امارات جنوبی خلیج فارس نداشت، بنابراین، مرزهای عربستان سعودی و قطر همچنان بر روی زمین نامشخص باقی ماند. اصولاً هم در این زمان ضرورت چندانی برای تعیین مرزها احساس نمی شد، زیرا هنوز نفت در این منطقه کشف نشده بود.

۴- خط مرزی فواد حمزه (۱۹۳۵)

در تابستان سال ۱۹۳۲ نمایندگان شرکت نفت استاندارد کالیفرنیا برای کسب امتیاز نفت عربستان سعودی با این کشور وارد مذاکره شدند. این مذاکرات سرانجام منجر به اعطای امتیاز نفت حساء به شرکت مذکور در ۲۹ مه ۱۹۳۳ گردید.^(۱) در سال ۱۹۳۴ شرکت نفت تگزاس به شرکت مذکور ملحق شد و نام آن به شرکت آمریکایی نفت عربستان (آرامکو) تغییر یافت. اولین حوزه نفتی تجارتنی در مارس سال ۱۹۳۸ در دامام واقع در حساء کشف شد. کشف و استخراج نفت در مناطق شرقی عربستان سعودی و مشخص نبودن مرزهای شرقی این کشور، اختلافات مرزی را تشدید کرد. در آن زمان، سفارت

امتداد می یافت یعنی کلیه مناطق میان ساحل ربع الخالی را در تصرف شیخ نشین های خلیج فارس قرار می داد.

به عبارت دیگر، مرزهای شرقی عربستان سعودی با قطر به صورت خطی مستقیم از زخویه تا ربع الخالی ادامه می یافت. به این ترتیب کلیه مناطق واقع در شمال شرقی این خط، شامل: خلیج سلوا و اراضی واقع در سمت شرق آن تا جنوب سلوا، جزو قلمرو قطر محسوب می شد. طبق قرارداد مذکور، بیابان های ربع الخالی نیز در قلمرو امارات عربی متحده قرار می گرفت.

اما به علت شعله ور شدن آتش جنگ جهانی اول، مرزهای بین دو کشور روی زمین تعیین نگردید. احتمالاً عربستان سعودی نیز در این زمان تمایلی به تعیین مرزهای دو کشور نداشت، زیرا در صدد بود قلمرو خود را در تمام شبه جزیره عربستان گسترش دهد.

از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۵ عربستان سعودی موفق شد علاوه بر تصرف حساء به طرف جنوب غربی پیش برود و نواحی عسیر، نجران و جزان یمن را اشغال کند، سپس به طرف شمال پیشروی کرده و سرزمین «جیل شمار» را به تصرف درآورده پس از آن، عربستان سعودی سرزمین حجاز را در غرب شبه جزیره عربستان (کنار دریای سرخ) و ربع الخالی را در جنوب شرقی شبه جزیره به تصرف خود درآورد. نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کرد، نام کشور عربستان سعودی است که تا سال ۱۹۳۲ «مملکت حجاز و نجد و ملحقات» بود. عنوان ملحقات خود قابل تامل و حاکی از مطامع توسعه طلبانه عربستان سعودی بود.

پیشروی سعودی ها به طرف شمال، غرب و جنوب غربی (یمن شمالی) بدون ایجاد مانع از طرف انگلستان صورت گرفت، اما ادامه پیشروی آنها به سوی شرق شبه جزیره عربستان موجبات نگرانی انگلیسی ها را فراهم آورد. آنچه این نگرانی را دامن زد نامه ای بود که شیخ حمدان بن زاید حاکم ابوظبی به ملک عبدالعزیز پادشاه عربستان سعودی نوشت و طی آن اطاعت خود را از وی اعلام کرد. در این زمان، هنوز نفت در منطقه کشف نشده بود و شیوخ خلیج فارس

ایران در جده طی گزارشی در این مورد نوشت:

«اختلاف سرحدی نجد و امارت های ساحل خلیج فارس، بعد از پیدا شدن نفت در شرق شبه جزیره عربستان، شدت پیدا کرده و نواحی وسیع‌ای که قبل از این مورد توجه احدی نبود، امروز مورد توجه واقع شده. مخصوصاً، واگذاری استخراج نفت از جانب ملک عبدالعزیز ابن سعود به یک کمپانی آمریکایی و شروع به استخراج نفت موجب شد که دولت انگلیس به نام امرای ساحلی خلیج فارس راجع به حدود امارت های مزبور صحبت نماید که باید عملیات استخراج نفت از سرحدات مزبور تجاوز ننماید. در این خصوص، اختلاف شدیدی روی داده که هنوز حل نشده، زیرا اصلاحی که در معاهده جده به عمل آمده است نیز متضمن این موضوع نیست و به هیچ وجه به سرحدات شرقی اشاره نمی نماید... مذاکرات جدید شروع شده ولی طرفین هنوز راه حلی در این باب پیدا نکرده اند.»^(۱۲)

در سال ۱۹۳۳ دولت آمریکا یادداشتی برای دولت انگلیس فرستاد و طی آن خواستار توضیحاتی در مورد مرزهای شرقی عربستان سعودی گردید. دولت انگلیس در پاسخ اعلام داشت که مرزهای مذکور طبق قرارداد سال ۱۹۱۳ منعقد شده میان انگلستان و عثمانی مشخص شده است. دولت انگلیس همچنین توسط سفارت خود در جده یک نسخه از یادداشت مذکور را در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۳۴ برای دولت عربستان سعودی فرستاد. دولت عربستان سعودی به شدت نسبت به یادداشت مذکور اعتراض کرد و اعلام داشت که ترک‌ها در آن هنگام هیچ گونه صلاحیتی برای تعیین مرزهای سعودی نداشته‌اند. این استدلال دولت عربستان سعودی برای دولت انگلستان قابل قبول نبود. انگلیس استدلال می کرد که «دولت عربستان سعودی از بقایای متصرفات دولت عثمانی تشکیل شده و باید تعهدات آن دولت را اجرا کند.» با اینحال، انگلستان حاضر شد چنانچه عربستان سعودی در مورد برخی موضوعات مورد اختلاف از خود نرمش نشان دهد، آن دولت نیز به نوبه خود از جنبه قانونی این قرارداد صرف نظر نماید. اما عربستان سعودی معتقد بود که تمام شبه جزیره عربستان همواره قلمرو او بوده است و امیدوار بود که دولت انگلستان به نظریاتش ترتیب اثر دهد. به همین جهت، پادشاه عربستان سعودی در پاسخ انگلستان اعلام داشت:

«سرزمین قطر و عمان مایل به انضمام به کشور ما می باشند، ولی ما برای اینکه روابطمان با دولت انگلیس تیره نشود، در مقابل این امر سکوت نموده ایم. این شیخ‌ها به خوبی می دانند که در خارج از دهستان های خویش اختیاراتی ندارند. همچنین اعراب بدوی از زمان قدیم از رعایای ما بوده‌اند. ترک‌ها هنگامی که «حساء» را در دست داشتند، از ما تقاضا کردند که «آل مره» و اهالی «جاقروره» را از مخالفت با ایشان مانع شویم. ما هم به تقاضای ایشان ترتیب اثر دادیم.»^(۱۳)

عربستان سعودی می خواست که شیوخ عرب مخصوصاً شیخ قطر را به عنوان یک طرف رسمی در مذاکرات شرکت دهد، ولی انگلستان اصرار ورزید که تنها این کشور حق نمایندگی شیخ نشین‌ها را دارد و در نتیجه سعودی‌ها از این منظور نیز صرف نظر کردند. به هر حال، در ۳ آوریل ۱۹۳۵ دولت عربستان سعودی یک خط مرزی را پیشنهاد کرد که به خط مرزی «فواد حمزه» (معاون وقت وزارت امور خارجه سعودی) معروف شد. به موجب این خط مرزی، مناطق وسیعی در جنوب قطر به خاک عربستان سعودی می پیوست. براساس خط مذکور، خط مرزی سال ۱۹۱۳ حدود ۱۰۰ کیلومتر در جنوب قطر، به نفع عربستان سعودی، به طرف شرق، عقب کشیده می شد. از طرف شمال نیز خط پیشنهادی مذکور تا حدود ۵۰ کیلومتر در داخل شبه جزیره قطر به طرف شمال امتداد می یافت. دولت انگلستان حاضر شد خط مرزی جدید را که به زیان قطر بود به رسمیت بشناسد، اما هیچ گونه موافقت‌نامه‌ای در این مورد بین دو کشور به امضاء نرسید.

۵- خط ریاض یا ریان (۱۹۳۵)

به دنبال اعطای امتیاز استخراج نفت قطر در سال ۱۹۳۵ به یک شرکت انگلیسی، دوباره اختلاف های مرزی از سر گرفته شد. ملک عبدالعزیز پادشاه

عربستان سعودی عقیده داشت که تا حصول موافقت قطعی راجع به مرزها، هیچ شرکتی اقدام به استخراج نفت نکند و در همین خصوص نامه‌ای برای شیخ قطر فرستاد، ولی دولت انگلستان اعتراض کرد که «چرا دولت عربستان سعودی به طور مستقیم با شیخ قطر تماس گرفته است؟!»

در نوامبر سال ۱۹۳۵ «ریان» سفیر کبیر انگلستان در «جده» به «ریاض» رفت و کوشش کرد که بر پایه تقسیمات عشایری اختلافات مرزی و ارضی دو کشور را حل و فصل نماید. به همین منظور راه حلی را که با نظریات دولت عربستان سعودی در مورد مرزهای قطر سازگار بود، پیشنهاد کرد.

براساس این پیشنهاد، مرزهای عربستان سعودی تا ۷۰ کیلومتری ساحل گسترش می یافت. این خط از سواحل جنوبی خلیج سلوا شروع می شد و به طرف جنوب شرقی ربع الخالی امتداد می یافت. به عبارت دیگر، خط مرزی سال ۱۹۱۳ حدود ۷۰ کیلومتر به طرف شرق، به زیان قطر، عقب کشیده می شد. با اینحال، «یوسف یاسین» منشی مخصوص ابن سعود این خط مرزی را نپذیرفت. وی ادعاهای قبلی دولت عربستان سعودی را تکرار کرد مبنی بر اینکه «این شیخ نشین‌ها بیرون از دهستان های خویش دارای هیچ گونه اختیاری نیستند.» واکنش دولت انگلستان هم در مقابل عربستان سعودی این بود که بر مقاومت خویش در مقابل فعالیت های زمین شناسی شرکت نفت آمریکایی افزود.

در فوریه سال ۱۹۳۸ قرار شد که فیصل آل سعود وزیر امور خارجه وقت عربستان برای مذاکره در این مورد به لندن برود. وی یادداشتی را که اهمیت تاریخی زیادی داشت با خود به آن کشور برد. در این یادداشت ادعای حق حاکمیت عربستان سعودی بر اساس وراثت استوار گردیده و عنوان شده بود که قسمت های وسیعی از قطر، اراضی حضرموت، عمان و ابوظبی متعلق به کشور

● در آستانه جنگ جهانی دوم، نماینده ملک عبدالعزیز در آلمان با هیتلر ملاقات کرد. هدف از این ملاقات جلب موافقت آلمان برای ضمیمه کردن کشورهای جنوبی خلیج فارس به عربستان سعودی بود.

● سعودی‌ها می خواستند توسعه ارضی را از همان جایی که در زمان عبدالعزیز متوقف شده بود، آغاز کنند و سرتاسر شبه جزیره عربستان را تحت کنترل خود درآورند. سیاست گسترش ارضی عربستان با منافع بریتانیا مغایرت داشت زیرا جهت این سیاست به سوی امارات جنوبی خلیج فارس بود.

عربستان سعودی می باشد. در آن یادداشت آمده بود:

«بایک نظر به تاریخ می توان فهمید که پایگاه های بحری «بوریمی»، «ظفار» و قسمت میانه قطر همگی با نظر نیاکان ملک ابن سعود احداث شده است. ولی چون اعلیحضرت مایل به حسن تفاهم و دوستی با انگلیس بوده و همچنین نمی خواهد روابط با شیوخ خلیج فارس تیره شود، لذا پس از اصرار زیاد حاضر شده است که خواسته های خویش را به قدر امکان تخفیف دهد. بنابراین، اغماض در این زمینه از طرف دولت عربستان سعودی است نه دولت انگلستان.»

دولت انگلستان با سیاست های توسعه طلبانه عربستان سعودی در آن زمان موافقت نکرد. در نتیجه، مذاکرات لندن به نتیجه نرسید و فیصل آل سعود وزیر امور خارجه عربستان سعودی دست خالی به کشورش بازگشت. پس از آن دیری نپایید که آتش جنگ جهانی دوم شعله ور شد.

۶- خط مرزی سال ۱۹۴۹:

در آستانه جنگ جهانی دوم، «خالد قرقینی» نماینده ملک عبدالعزیز آل سعود در آلمان با هیتلر ملاقات کرد. هدف وی از این ملاقات جلب موافقت آلمان



سپس افسر انگلیسی از ایشان خواست مناطقی را که هنوز وضع آن‌ها معین نشده، تخلیه کنند. با وجود تخلیه منطقه توسط هیأت زمین شناسان آمریکایی وابسته به شرکت آرامکو، این مساله موجب شد که هریک از طرفین شکایت نامه‌ای بنویسد و طرف دیگر را متهم به تجاوز به حدود خود نماید. به این ترتیب، مشاجرات در مورد خطوط مرزی از سر گرفته شد.

عربستان سعودی ادعا می‌کرد که سرزمین‌های واقع در شرق ساحل خلیج سلوا بین عرض شمالی ۲۴°۵۶ و طول شرقی ۵۱ درجه و از آنجا بسا خط مستقیم تا ساحل با ۲۴°۴۸ عرض شمالی متعلق به این کشور است. بر طبق خط مرزی مورد ادعای عربستان سعودی، خورالعیدید جزو قلمرو این کشور محسوب می‌شد.^(۱۲) این خط حدود ۱۰ کیلومتر در شمال خط مرزی آوریل ۱۹۳۵ قرار می‌گرفت. به طور کلی، طبق این خط مرزی، عربستان سعودی خواستار واگذاری حدود ۷۰ کیلومتر از اراضی جنوب قطر به خاک خود بود.

عربستان سعودی همچنین نسبت به بخش‌های وسیعی از اراضی ابوظبی و عمان ادعای ارضی داشت. چند دلیل برای این ادعای سعودی‌ها در سال ۱۹۴۹ وجود داشت: (۱) کشف ذخایر عظیم نفت در منطقه (۲) مخالفت با حضور بریتانیا که مانع از رسیدن آنها به اهدافشان بود (۳) ادامه سیاست‌های گسترش ارضی. در واقع، سعودی‌ها می‌خواستند توسعه ارضی را از همان جایی که در زمان عبدالعزیز متوقف شده بود، آغاز کنند و سرتاسر شبه جزیره عربستان را تحت کنترل خود در آورند.^(۱۳)

سیاست گسترش ارضی عربستان سعودی با منافع بریتانیا مغایرت داشت زیرا متوجه امارات جنوبی خلیج فارس بود. این مساله موجب شد که بریتانیا با عربستان سعودی در این مورد وارد مذاکره شود. در نتیجه این مذاکرات، دو کشور در مورد شیخ نشین‌های جنوبی خلیج فارس به یک «موافقتنامه ایست»^(۱۴) در سال ۱۹۵۲ رسیدند.^(۱۵) به موجب این موافقتنامه، سعودی‌ها موقتاً «وضع موجود» را پذیرفتند.

۷- کنفرانس دمام (سال ۱۹۵۲)

پس از آن دو کشور درصدد تعیین مرزها برآمدند. این بار اختلافات از مرزهای عربستان سعودی و قطر فراتر رفت و مرزهای قطر با ابوظبی و عربستان

برای ضمیمه کردن کشورهای جنوبی خلیج فارس به عربستان سعودی بود.^(۱۶)

روزنامه «النهار» چاپ بیروت در همین زمان هدف از این ملاقات را «تصفیه تمام کارهای معوقه و خصوصاً کارهای مربوط به بندرهای دریایی کنار خلیج فارس که می‌گویند دولت انگلستان آن‌ها را به وی (ابن سعود) وعده کرده است.» اعلام کرد. این روزنامه نوشت:

«این سعود رفتار انگلیسی‌ها نسبت به خود را به چشم خرسندی نگاه نمی‌کند، زیرا دولت نامبرده را نسبت به کشورش دارای نظر بی طرفانه نمی‌یابد. هنوز دولت انگلیس حاضر نشده که وی را در اجرای منویاتش راجع به منضم کردن قسمت‌های نزدیک به حجاز در خلیج فارس به این کشور همراهی نماید.»^(۱۷)

با شکست هیتلر، امیدهای ابن سعود برای گسترش قلمرو خود در تمام شبه جزیره عربستان از میان رفت. از آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ تا سال ۱۹۴۹ یعنی به مدت ۱۰ سال هیچ گونه تلاشی در جهت تحدید مرزها صورت نگرفت. اما در سال ۱۹۴۹ دو واقعه روی داد که موجب شد بار دیگر موضوع مرزها مطرح شود. نخست اینکه، در این سال نفت به مقدار تجارتی در قطر کشف شد. از سوی دیگر، در آوریل ۱۹۴۹ هیاتی از زمین شناسان شرکت نفتی آرامکو شروع به عملیات اکتشافی در جنوب شرقی قطر در منطقه غربی «سبحه المطی» نمودند که این اقدام با اعتراض دولت انگلستان روبرو شد. نماینده انگلستان که یک افسر ارتش بود، به طور ناگهانی از اردوگاه هیات زمین شناسان در منطقه‌ای واقع در شمال غربی «صفق» بازدید کرد. این منطقه به موجب «قراردادریان» منعقد در سال ۱۹۳۵ به عشایر عربستان سعودی واگذار شده بود. افسر انگلیسی که برادر شیخ ابوظبی و نیز چند مأمور مسلح را به همراه داشت، نامه‌ای به هیأت آمریکائی تسلیم کرد که در آن گفته شده بود:

«دولت انگلستان سرحدات شیخ نشین ابوظبی را تا «خورالعیدید» می‌شناسد و لذا اقامت کارمندان شرکت آرامکو و سربازان سعودی در منطقه شمالی صفق تجاوز به حقوق شیخ نشین مذکور که از حمایت انگلستان برخوردار است، می‌باشد.»

توسط قبایل بنی یاس در فاصله سالهای ۱۸۶۹ و ۱۸۸۰ بود. اما حاکمان آل ثانی قطر این حدود را نپذیرفته بودند.^(۳۳)

دولت بریتانیا برای رسیدن به یک راه حل مسالمت آمیز مرزهای جنوبی قطر را تا نزدیکی خورالعدید امتداد داد، بدون اینکه خورالعدید را در برگیرد. اما عربستان سعودی که نسبت به این منطقه ادعای ارضی داشت، به هر سه کشور قطر، ابوظبی و بریتانیا اعتراض کرد. عربستان سعودی تهدید کرد که مساله بوریعی را نزد شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح خواهد کرد، اما سرانجام به پذیرش مساعی جمیله نماینده سازمان ملل متحد اکتفا کرد.

۸- موافقتنامه مرزی سال ۱۹۶۵:

در دسامبر ۱۹۶۵ قطر و عربستان سعودی موافقتنامه ای برای تعیین حدود مرزهای خود در خشکی و دریا، بدون مشورت با بریتانیا، منعقد کردند. متن موافقتنامه مذکور تاکنون منتشر نشده است اما بموجب برخی از گزارش ها، نکات عمده این موافقتنامه عبارتند از:

- مرز قطر و عربستان سعودی در جنوب شرقی قطر، ساحل خورالعدید تعیین شده است. از اینجا مرز بین دو کشور تا نایتیل ادامه یافته، سپس به طرف شمال غربی کشیده شده و به نوك خلیج سلوا ختم می گردد.

- به موجب این موافقتنامه، قطر قسمتی از اراضی خود را در جنوب کشور

● دولت انگلیس استدلال می کرد که عربستان سعودی

از بقایای متصرفات دولت عثمانی تشکیل شده و باید تعهدات آن دولت را اجراء کند... پادشاه عربستان سعودی پاسخ داد:

«سرزمین قطر و عمان مایل به انضمام به کشور ما می باشند، ولی ما برای اینکه روابطمان با دولت انگلیس تیره نشود، در مقابل این امر سکوت کرده ایم. این شیخ نشین ها به خوبی می دانند که خارج از دهستان های خویش اختیاراتی ندارند...»

● سابقه اختلاف های مرزی و ارضی عربستان سعودی با قطر به اواسط قرن نوزدهم باز می گردد.

به عربستان سعودی واگذار کرده است.

به موجب ماده ۳ موافقتنامه مرزی ۱۹۶۵ در صورت بروز اختلاف در مورد تعیین حدود دو کشور، موضوع به یک مرجع بین المللی ارجاع خواهد شد.

- به موجب ماده ۵ موافقتنامه مذکور نیز تشکیل یک کمیسیون مختلط برای هدایت مرجع بین المللی فوق پیش بینی شده است.

موافقتنامه مرزی ۱۹۶۵ هم با مخالفت دولت انگلستان و هم با اعتراض دولت ابوظبی روبرو شد. در این مورد دولت بریتانیا یادداشتی برای دولت عربستان فرستاد و طی آن اعلام داشت که این موافقتنامه را به رسمیت نمی شناسد. مخالفت انگلستان با قرارداد مذکور به دو دلیل عمده بود:

نخست اینکه، بریتانیا به موجب قرارداد ۱۹۱۶ اداره روابط خارجی قطر را عهده دار بوده و دولت قطر حق انعقاد موافقتنامه مرزی را نداشته است.

دوم اینکه، دولت بریتانیا معتقد بود موافقتنامه مذکور به حقوق کشور ثالثی به نام ابوظبی زیان وارد می کند و بریتانیا حمایت از ابوظبی را برعهده دارد.^(۳۴)

ابوظبی نیز که بر خورالعدید ادعای ارضی داشت، با اعتراض به این موافقتنامه، اعلام کرد که این تحدید حدود را به رسمیت نمی شناسد.^(۳۵) به هر حال مخالفت انگلستان با انعقاد قرارداد مذکور و همچنین عدم پذیرش مرزهای جدید توسط ابوظبی، سبب شد که موافقتنامه ۱۹۶۵ به اجراء در نیاید.^(۳۶) به این ترتیب اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی سه کشور عربستان، قطر و ابوظبی همچنان ادامه یافت.

با ابوظبی و عمان را نیز در بر گرفت. عربستان سعودی ادعا می کرد که عشایر ساکن در مناطق مرزی مذکور از دولت سعودی اطاعت می کنند و در این مورد به پرداخت زکات (مالیات) توسط عشایر مذکور به دولت عربستان سعودی استناد می کرد. عربستان سعودی خواستار آن بود که سرحدات مطابق قواعد اجتماعی حاکم بر این مناطق مورد بررسی قرار گیرد.

دولت انگلستان در پاسخ، در آوریل ۱۹۵۰ همراه یادداشتی به تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰ شکایت نامه ای برای دولت عربستان سعودی ارسال داشت. دولت انگلستان طی این شکایت نامه، ابراز عقیده کرده بود که «این روش طوایفی، در حکم دلیل تاریخی نیست، زیرا از آن چنین برمی آید که پرداخت زکات از طرف طوایف، دست آویزی برای اجتناب از زد و خوردها با مقام قوی تر بوده، نه اعتراف به حکومت آن مقام.»

دولت انگلستان همچنین درخواست کرده بود که عربستان سعودی چنانچه مدارکی در مورد صحت مدعای خود دارد ارائه کند ولی اضافه نموده بود که بریتانیا خود را ملزم به قبول آنها نمی داند. عربستان سعودی با تشکیل یک کمیسیون فنی برای بررسی این اسناد موافقت کرد. پیش از آن که کمیسیون مذکور تصمیم نهایی خود را اعلام کند، دولت انگلستان از فیصل خواست که برای حل و فصل مساله کنفرانسی در لندن ترتیب داده شود. انگلستان تاریخ ۸ تا ۲۴ اوت ۱۹۵۱ را برای ملاقات فیصل و «توریسون» (وزرای امور خارجه عربستان سعودی و انگلستان) پیشنهاد کرد. نکات زیر برای طرح در کنفرانس مذکور در نظر گرفته شده بود:

۱- اثبات تابعیت عشایر متوطن

۲- چنانچه موضوع مربوط به طوایف بدوی باشد، اثبات این نکته که طوایف مذکور در خلال مدت معینی مطیع دولتی غیر از دولت عربستان سعودی نبوده اند.

اما فیصل با برگزاری کنفرانس مذکور در لندن مخالفت کرد. به همین جهت تشکیل کنفرانس لندن منتفی و کنفرانس دیگری در دامام در عربستان سعودی با شرکت مشایخ و امرای عرب در فوریه ۱۹۵۲ تشکیل شد. در این کنفرانس علی بن عبدالله قاسم شیخ قطر که از سال ۱۹۴۹ زمام امور را به دست گرفته بود، شرکت و با نظرات عربستان سعودی موافقت کرد. اما انگلستان اعلام نمود که با نظرات شیخ قطر موافق نیست زیرا اصولاً وی حق ندارد در زمینه سیاست خارجی قطر اظهار نظر کند. شیخ ابوظبی که متمایل به انگلیسی ها بود، واحه بوریعی و منطقه ساحلی را تا «خورالعدید» مطالبه کرد.

انگلیسی ها اعلام کردند که با مرز «فواد حمزه» که در آوریل ۱۹۳۵ توسط عربستان پیشنهاد شده بود، موافق هستند اما چون در این زمان دیگر عربستان سعودی پیشنهاد مذکور را به نفع خود نمی دید، از قبول آن سر باز زد. به هر حال، بریتانیا اعلام کرد که خورالعدید متعلق به ابوظبی و اراضی واقع در شمال آن نیز متعلق به قطر است. به این ترتیب، ادعای عربستان سعودی در این مورد رد شد.^(۳۷) در نتیجه پافشاری طرفین، کنفرانس دامام با شکست مواجه شد ولی آنها موافقت کردند که در مناطق مورد اختلاف، عملیات اکتشاف نفت کماکان متوقف بماند.

پس از آن، اختلافات مرزی و ارضی بین سه کشور عربستان سعودی، قطر و ابوظبی ادامه یافت. با اینحال یک بار دیگر در ۲۶ اکتبر ۱۹۵۵ نخست وزیر بریتانیا در مجلس عوام اعلام کرد که دولت بریتانیا در نظر دارد خط تعدیل شده ریاض را که به موجب آن خورالعدید در خاک ابوظبی قرار می گیرد، بپذیرد.^(۳۸) اما این پیشنهاد نیز رد شد.

حاکم قطر در سال ۱۹۵۸ به منظور تثبیت حاکمیت خود، یک پاسگاه پلیس در قسمت شمالی خورالعدید ایجاد کرد، در حالی که قطر ادعا می کرد این قسمت متعلق به آن کشور است. پاسگاه مذکور در جایی احداث شد که طبق نظر بریتانیا متعلق به ابوظبی نبود، با اینحال شیخ «شخبوط» حاکم ابوظبی به اقدام قطر اعتراض کرد و دوباره ادعاهای قدیمی خود را نسبت به شبه جزیره قطر تا شمال «وکره»^(۳۹) از سر گرفت. ابوظبی همچنین شروع به ایجاد یک پاسگاه پلیس در «عدید» در جنوب خور نمود. ادعای ابوظبی در مورد مالکیت خورالعدید مبتنی بر حدودی بود که توسط بریتانیا در سال های ۱۸۷۸ و ۱۹۳۷ تعیین و این منطقه را جزو قلمرو ابوظبی قلمداد کرده بود. همانگونه که قبلاً گفته شد، مبنای این تعیین حدود توسط بریتانیا، اشغال قبلی این پارک ساحلی

است که از سال ۱۹۹۷ که تولید نفت خام عربستان حداقل ده میلیون بشکه در روز خواهد بود، حدود ۳۵۰ تا ۶۰۰ هزار بشکه نفت خام سبک از این حوزه تامین شود. علاوه بر حوزه «شعبیه»، هفت میدان نفت سبک دیگر در مناطق شرقی عربستان در نزدیکی قطر و امارات عربی متحده شناسایی شده است. در مقابل واگذاری حوزه های نفتی مذکور، عربستان سعودی موافقت کرده است که از ادعاهای تاریخی خود نسبت به واحه بوریمی صرف نظر کند.

۱۰- توسعه طلبی عربستان و واکنش قطر

موافقتنامه مرزی سال ۱۹۷۴ به تصویب نرسید^(۳) و مرزهای بین قطر، عربستان سعودی و امارات عربی متحده نیز مشخص نگردید. به همین جهت، عربستان سعودی از سال ۱۹۷۴ به بعد می کوشید که به هر طریق حاکمیت خود را بر این منطقه تحکیم کند. در این جا به برخی از این اقدامات اشاره می شود: عربستان سعودی بلافاصله بعد از قرارداد مذکور شروع به ایجاد تاسیسات نظامی در این منطقه کرد. این امر با ناخشنودی قطر روبرو شد و سوءظن قدیمی این کشور به سیاستهای توسعه طلبانه عربستان سعودی را تقویت کرد. عربستان سعودی همچنین به منظور قطعی کردن الحاق خورالعید به خاک خود، در سال ۱۹۸۰ به یک گروه از مقامات اداره بنادر سعودی ماموریت داد تا امکان احداث یک بندر را در راس خمیز^(۳۲)، در نزدیکی خورالعید، مورد بررسی قرار دهند.^(۳۳) از نتیجه این بررسی ها گزارشی منتشر نشده است. از طرف دیگر، عربستان سعودی در سال ۱۹۹۰ بزرگراهی که دوحه پایتخت قطر را به ابوظبی پایتخت امارات عربی متحده متصل می کند مسدود نمود. قطر به این اقدام عربستان سعودی اعتراض کرد و در نتیجه، روابط دو کشور رو به تیرگی نهاد. هرچند در این زمان هیچ گونه برخورد نظامی بین دو کشور روی نداد، اما مسدود شدن بزرگراه مذکور موجب شد که قطر از نظر اقتصادی تقریباً محاصره گردد، زیرا ۸۰ درصد از نیازهای قطر از این راه تامین می شود و قطر ناگزیر است کالاهای خود را از پست مرزی عربستان سعودی به نام «صلواة» عبور دهد.

اقدامات عربستان سعودی موجب شد که قطر به نحوی در صدد نشان دادن واکنش برآید. قطر با برقراری روابط توسعه مناسبات با کشورهای که ریاض از آن ها خشنود نبود، به اقدامات توسعه طلبانه عربستان سعودی پاسخ داد. از جمله، روابط خود را با سوریه بهبود بخشید تا راه را برای گسترش روابط با یمن، به عنوان ناراضی دیگری از سیاستهای توسعه طلبانه عربستان باز کند و از این طریق، با شرکت عمان، یمن و قطر، سدّی در مقابل عربستان سعودی به وجود آید، با این اندیشه که امارات عربی متحده نیز در آینده به این صف بندی بپیوندد.

گام دیگری که قطر در این راستا برداشت، برقراری روابط نزدیک تر با ایران بود. در اوائل نوامبر ۱۹۹۱ شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی ولیعهد قطریک دیدار چهار روزه از تهران به عمل آورد. در طی این دیدار پیشرفت های قابل ملاحظه ای در توسعه روابط بین دو کشور حاصل شد. در این دیدار ۵ موافقتنامه بین دو کشور به امضاء رسید که یکی از آنها در مورد ایجاد خط لوله انتقال آب از کارون به قطر می باشد. هزینه اجرای این طرح ۱۳ میلیارد دلار برآورد شده است.^(۳۴) این خط لوله ۱۸۰۰ کیلومتر طول خواهد داشت و در آینده می تواند مورد استفاده سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس قرار گیرد. بخش عمده هزینه این پروژه را قطر می پردازد.

ایران و قطر در زمینه بهره برداری از حوزه گازی «پارس» در خلیج فارس نیز با یکدیگر همکاری دارند. حوزه گازی پارس که یکی از بزرگترین حوزه های گازی جهان است در «آذرمه» ۱۳۷۰ کشف شد. این مخزن دارای ۱۰۰ تریلیون فوت مکعب گاز به ارزش تقریبی ۲۰۰ میلیارد دلار است. حوزه گازی پارس که «پارس جنوبی» نامگذاری گردیده، در مرز بین المللی ایران و قطر واقع شده و با حوزه گنبد شمالی قطر مشترک است. قرارداد مربوط به بهره برداری از این حوزه در شهریور ماه ۱۳۷۱ با شرکت های خارجی منعقد شد.

عربستان سعودی روابط رو به گسترش ایران و قطر را با سوءظن می نگرست و از این بابت نگران بود. یکی از دیپلمات های عربستان سعودی در مورد روابط ایران و قطر با صراحت اظهار داشت: «رابطه نزدیک قطر و ایران به زیان عربستان است».^(۳۵)

در سال ۱۹۷۰، آرامکو که مشغول اکتشاف نفت براساس یکی از امتیازات جدید خود در شعبیه^(۳۶) در عربستان سعودی بود، به ذخایر عظیمی از نفت دست یافت. این میدان نفتی، قسمتی از میدان بزرگتر زراره^(۳۷) بود که تا آن طرف مرز در ابوظبی امتداد داشت. این امر موجب شد که عربستان سعودی خواستار از سرگیری مذاکرات با امارات عربی متحده برای حل و فصل اختلافات مرزی و تعیین حدود دو کشور شود. این مذاکرات فوق العاده پیچیده، مدت ۴ سال ادامه یافت و سرانجام با انعقاد يك موافقتنامه مرزی در ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۴ پایان گرفت.

گرچه متن کامل موافقتنامه مرزی ۱۹۷۴ منتشر نشده است، اما گزارش های متعدد حاکی است که امارات عربی متحده دو امتیاز بزرگ به عربستان سعودی داده است. نخستین امتیاز آن است که امارات عربی متحده با واگذاری خورالعید به عربستان سعودی موافقت کرده است. به این ترتیب، سعودی ها موفق شدند به سواحل خلیج فارس در شرق قطر دست یابند و به یکی از اهداف سنتی و قدیمی خود که از سال ها قبل در آرزوی آن بودند، نائل گردند. عربستان سعودی از این امر دو هدف عمده را دنبال می کرد، یکی اینکه عربستان را تنها همسایه قطر قرار داده و آن را محاصره کند. تا این کشور در آینده نتواند از قبول سیطره سعودی ها سرباز زند. دیگر اینکه راهی برای خواسته های آتی سعودی ها جهت دست یابی به آب های منطقه ای قطر در خورالعید باز گذاشته شود. این مسأله با ناخشنودی قطر روبرو شد، اما این کشور نمی توانست در برابر سعودی ها کار زیادی انجام دهد.

واگذاری خورالعید به عربستان سعودی از نظر نظامی قابل توجه نیست، زیرا خورالعید فقط برای گشت زنی کشتی های کوچک مناسب می باشد. همچنین خورالعید از نظر اقتصادی اهمیت ندارد و فاقد منابع نفت است.^(۳۸) اهمیت خورالعید از نظر سیاسی است که باعث قطع ارتباط زمینی قطر با ابوظبی شده است. این مسأله احساس قدیمی و سنتی قطر مبنی بر پیوستن این کشور به عربستان سعودی را دوباره تقویت کرده است. برخی از تحلیل گران سیاسی در خلیج فارس معتقدند که عربستان سعودی به این ترتیب قطر را از نظر جغرافیایی منزوی کرده است. به اعتقاد این تحلیل گران، قطر جذب عربستان سعودی خواهد شد و تحت سلطه آن کشور در خواهد آمد.^(۳۹)

انزوای جغرافیایی قطر موجب می شود که این کشور روابط نزدیک تری با عربستان سعودی برقرار کند. این امر از امکان تحرک قطر در زمینه اتخاذ يك سیاست مستقل ملی می کاهد. این مسأله از نظر تحولات سیاسی در داخل شبه جزیره قطر نیز مهم است، زیرا سعودی ها اجازه نخواهند داد که در صورت تغییر رژیم در دوحه، این کشور به عنوان پایگاهی برای عملیات براندازی علیه استان شرقی عربستان سعودی درآید.

دومین امتیاز بزرگی که امارات عربی متحده به موجب قرارداد مرزی سال ۱۹۷۴ به عربستان سعودی داد، بهره برداری انحصاری از حوزه نفتی «شعبیه» در مرز دو کشور بود. بخشی از این حوزه نفتی در امارات عربی متحده قرار دارد و زراره نامیده می شود. نکته مهم اینکه، بهره برداری از این حوزه نفتی نیز بطور غیرمعمول به عربستان سعودی واگذار شده است. به عبارت دیگر، امارات عربی متحده قول داده است که از میدان نفتی زراره در داخل سرزمین خود بهره برداری نکند.

عربستان سعودی در نظر دارد ۸ میلیارد دلار برای بهره برداری از میدان نفتی شعبیه و حوزه نفتی زراره سرمایه گذاری کند. برآورد می شود که ذخایر حوزه نفتی شعبیه ۷ میلیارد بشکه است و بهای جهانی نفت سبک این منطقه حداقل سه دلار در هر بشکه از نفت سنگین عربستان سعودی بیشتر است. نفت خام استخراجی از حوزه «شعبیه» به بندر راس التنوره در غرب خلیج فارس منتقل خواهد شد. طول خطوط انتقال از این مسیر ۶۰۰ کیلومتر و بیشتر از سه برابر مسیر پیشنهادی امارات عربی متحده است و حداقل يك میلیارد دلار هزینه در بردارد.

مطالعات مقدماتی، طرحهای اجرایی و برنامه زمان بندی شده پروژه مذکور تهیه شده و قرار است که احداث آن در سال ۱۹۹۴ آغاز شود. پیش بینی شده

عربستان سعودی شبه جزیره عربستان را منطقه ژئوپولیتیک اصلی خود می‌شناسد و چیرگی نظامی قدرتهای رقیب در این منطقه می‌تواند موجبات ناخشنودی آن کشور را فراهم آورد.

گام بعدی قطر، در واکنش به سیاست‌های توسعه طلبانه عربستان سعودی، برقراری روابط سیاسی با عراق بود. اعزام سفیر به بغداد نه تنها موجب ناخشنودی عربستان سعودی، بلکه با اظهار تعجب اعضای شورای همکاری خلیج فارس مواجه شد. قطر روابط سیاسی خود را با عراق به دنبال اشغال کویت در دوم اوت ۱۹۹۰ قطع کرده بود.^(۳۶)

به طور کلی، واکنش‌های قطر در مقابل سیاست‌های توسعه طلبانه عربستان سعودی باعث نگرانی سعودی‌ها شد و در نهایت موجبات خشم آن‌ها را فراهم آورد. سرانجام سعودی‌ها با حمله نظامی به پاسگاه «الخفوس» قطر، خشم و ناراحتی خود را از سیاست‌های آن کشور نشان دادند.

۱۱- تجاوز نظامی عربستان به قطر

نیروهای نظامی عربستان سعودی در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲ (۸ مهرماه ۱۳۷۱) پاسگاه مرزی الخفوس را مورد تجاوز قرار دادند. روز بعد مجدداً به پاسگاه مذکور حمله کردند و آن را به اشغال خود درآوردند. در این تجاوز دو سرباز قطری کشته شدند و یک نفر به اسارت درآمد. یکی از سربازان کشته شده مصری بود که در ارتش قطر خدمت می‌کرد. همچنین در این برخوردها دو سرباز سعودی کشته و زخمی شدند. یکی از این کشته شدگان یک شاهزاده سعودی به نام «محمد بن شرایم» رئیس قبیله «مورا» بود که ملکی در نزدیکی مرز قطر داشت.

نیروهای نظامی عربستان سعودی در این یورش تاسیسات پاسگاه را ویران کردند. این نخستین برخورد نظامی بین دو کشور از زمان استقلال قطر بود. قبل از آن فهد شاه عربستان یک پیام شفاهی برای شیخ محمد بن خلیفه آل ثانی ولیعهد قطر فرستاده بود که متن آن منتشر نشده است.

پاسگاه الخفوس در ۱۳۰ کیلومتری دوحه و در جنوب شرقی قطر قرار گرفته است و دولت عربستان سعودی منطقه الخفوس را قسمتی از خاک خود می‌داند، در حالیکه ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی به موجب موافقتنامه مرزی ۱۹۶۵ به طور رسمی تأیید نموده بود که منطقه مذکور جزء خاک قطر می‌باشد. عربستان سعودی حمله به پاسگاه مذکور و اشغال آن را تکذیب و ادعا کرد که برخوردهای مرزی در نقطه‌ای واقع در داخل خاک عربستان سعودی و بین قبایل محلی صورت گرفته است و آن را یک «ابر گذرا» نامید.

قطر در نخستین واکنش، سفیر عربستان در دوحه را احضار و یک یادداشت اعتراض آمیز به وی تسلیم کرد. وزارت امور خارجه قطر همچنین بیانه‌ای منتشر کرد که در آن تأکید شده بود: «دولت قطر همواره حل و فصل اختلافات بین کشورهای منطقه خلیج فارس را از راه‌های مسالمت آمیز مورد تأکید قرار داده و توسل به زور، تهدید و یا ازرعاب را برای حل و فصل اختلافات رد کرده است».

در بیانیه مذکور گفته شده بود که استفاده از قدرت نظامی توسط عربستان سعودی برای اشغال پاسگاه مرزی این کشور کاملاً غافلگیرانه بوده و این اقدام عربستان اثرات نامطلوبی در روابط ویژه این کشور با قطر بر جای خواهد گذارد.

شورای وزیران قطر نیز به منظور بررسی تجاوز نظامی عربستان سعودی یک جلسه فوق العاده به ریاست شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی ولیعهد و وزیر دفاع قطر تشکیل داد و در بیانیه‌ای «تجاوز غیر موجه» نیروهای نظامی عربستان سعودی به پاسگاه مرزی این کشور را «خطرناک» توصیف کرد. در بیانیه مذکور با اشاره به اینکه خطوط مرزی میان دو کشور تاکنون به طور نهایی تعیین نشده، آمده بود: عربستان سعودی اقدام به ترسیم خطوط مرزی میان دو کشور به طور یکجانبه کرده و این اقدام یکجانبه بر خلاف قرار داد منعقد شده میان دو کشور است. از سوی دیگر، دولت عربستان سعودی در مقابل درخواست‌های مکرر دولت قطر برای انجام مذاکرات در این باره، از این امر سرباز زده است.

شورای مذکور سپس تصمیم گرفت که اجرای قرارداد ۱۹۶۵ دو کشور در زمینه تعیین خطوط مرزی، به ویژه ماده ۳ و ۵ آن را متوقف نماید. شورای

وزیران در پایان بیانیه خود خواستار شروع سریع مذاکرات به منظور حصول توافق در مورد ترسیم نهایی خطوط مرزی میان دو کشور شد.

واکنش‌های شدید قطر موجبات برآشفته شدن عربستان سعودی را فراهم آورد، زیرا سعودی‌ها تصور می‌کردند قطر همانند گذشته در مقابل توسعه طلبی‌ها و تجاوزات آنها سکوت اختیار خواهد کرد. این کشور از روش دولت قطر در «بزرگ جلوه دادن» واقعه‌ای که آن را «یک حادثه کوچک مرزی» توصیف می‌کرد، به شدت انتقاد نمود. در اعلامیه‌ای که عربستان سعودی در این مورد صادر کرد آمده است: «ما از روش قطر به شدت شگفت زده و متأسف شده‌ایم. در پیش گرفتن چنین روشی به نفع هیچ یک از دو کشور تمام نخواهد شد.»^(۳۷)

عربستان سعودی همچنین در واکنش نسبت به مصاحبه شیخ حمد بن جاسم جابر آل ثانی وزیر امور خارجه قطر با خبرگزاری فرانسه، از این که وی «علیرغم توضیحات روشن عربستان، بار دیگر از تجاوز این کشور به پاسگاه مرزی الخفوس صحبت کرده»، ابراز تأسف کرد. دولت عربستان گفت: «سر و صدایی که قطر در مطبوعات به راه انداخته به نفع دو کشور نیست و این کشور به قرارداد مرزی ۱۹۶۵ همچنان پای بند است».

سفیر عربستان در لندن نیز با اشاره به اینکه منازعات مرزی عربستان و قطر مساله تازه‌ای نیست که امروز رخ داده باشد، اظهار داشت: «قرار داد مرزی

● تعیین مرزهای دریائی به علت وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در منطقه برای قطر و عربستان سعودی بسیار حائز اهمیت است.

● نام عربستان سعودی تا سال ۱۹۳۲ «مملکت حجاز و نجد و ملحقات» بود. واژه «ملحقات» حاکی از مطامع توسعه طلبانه عربستان سعودی بوده است.

● انگلیس در قرن نوزدهم با انعقاد قراردادهای متعدد با شیوخ منطقه مسئولیت روابط خارجی و حفظ امنیت آنها را به عهده گرفته بود. به عبارت دیگر، شیخ نشین‌های خلیج فارس از مناطق نفوذ انگلستان به شمار می‌رفتند.

منعقده بین این کشور و قطر با توافق طرفین به امضاء رسیده و تمام مواد آن لازم الاجراست.»^(۳۸)

با اینحال، عربستان سعودی بعد از اشغال الخفوس مناطق دیگری از خاک قطر را به تصرف خود درآورد. وزیر امور خارجه قطر در این مورد اظهار داشت: ارتش عربستان سعودی از ماه سپتامبر اقدام به اشغال چندین پاسگاه مرزی در جنوب این کشور کرده و کنترل این مناطق را همچنان در دست دارد. به گفته وی، این امر ناقض قرار داد مرزی سال ۱۹۶۵ میان دو کشور می‌باشد. وزیر امور خارجه قطر همچنین اعلام کرد که نیروهای نظامی عربستان مبادرت به ایجاد یک دیوار شنی در طول مرز و نصب تابلوهای مرزی کرده‌اند.^(۳۹)

عربستان سعودی مناطق اشغالی را بخشی از خاک خود به حساب می‌آورد، چنانکه در این مورد اعلام کرد: «هیچ پاسگاه یا موضعی به نام الخفوس در خاک عربستان وجود ندارد و این قطری‌ها هستند که در زمان جنگ خلیج فارس بخشی از خاک عربستان را به عمق ۱۴ کیلومتر اشغال و برای فریب افکار عمومی، موضعی با نام جعلی الخفوس برای خود ایجاد کردند.»^(۴۰)

وزارت امور خارجه قطر ضمن رد ادعاهای عربستان سعودی اعلام داشت: «منطقه الخفوس جزئی جدا نشدنی از خاک قطر است که در قرارداد مرزی ۱۹۶۵ از سوی عربستان سعودی به رسمیت شناخته شده و پاسگاه مرزی نیز در این منطقه ایجاد شده است.»^(۴۱)

وزارت امور خارجه قطر سپس آمادگی کشورش را برای تشکیل یک کمیته بین‌المللی به منظور تحقیق در مورد ادعاهای عربستان سعودی در مورد

موقعیت پاسگاه مرزی الخفوس اعلام کرد.

ایران قطع کرد و انتظار داشت که قطر و سایر کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس نیز از تصمیم این کشور پیروی کنند، اما قطر با در پیش گرفتن چنین رویه‌ای مخالفت کرد.^(۴۸)

همچنین موضع قطر در مورد ساختار امنیتی خلیج فارس با موضع عربستان سعودی همسو نیست. عربستان سعودی مخالف مشارکت ایران در ترتیبات امنیتی منطقه است. در حالیکه قطر معتقد است ایران باید در تامین امنیت منطقه مشارکت داشته باشد. سفیر قطر در بنگلادش در این زمینه اظهار داشته است: «تامین امنیت منطقه خلیج فارس در گرو همکاری و مشارکت کشورهای منطقه و جمهوری اسلامی ایران است».

وی افزوده است: «ایران به عنوان يك کشور بزرگ در منطقه خلیج فارس از نقش حیاتی در تامین امنیت در این منطقه برخوردار است و کشورهای منطقه خواهان ایفاء نقش برتر ایران در تامین امنیت در خلیج فارس هستند».^(۴۹) دولت قطر نیز اعلام کرده است: ایران مسلمان و همسایه کشورهای منطقه است و وجود این کشور در ساحل شرقی خلیج فارس و همچنین نقش مهم ایران در منطقه را نمی‌توان نادیده گرفت.^(۵۰) طبعاً این سیاست قطر نمی‌تواند خوش آیند سعودی‌ها باشد.

علت دیگر تجاوز عربستان سعودی به قطر را باید در ادامه سیاست‌های توسعه طلبانه این کشور جستجو کرد. به طوری که گفته شد، عربستان سعودی نسبت به تمام شیخ نشین‌های خلیج فارس مطامع ارضی دارد. تا سال ۱۹۷۱ حضور انگلستان در منطقه مانع ادامه پیشروی سعودی‌ها به سوی شرق شبه جزیره عربستان می‌شد، اما با خروج نیروهای انگلستان از خلیج فارس، این مانع عمده از میان برداشته شد.

در طول جنگ ایران و عراق، عربستان سعودی سیاست‌های توسعه طلبانه خود را متوقف کرد اما با پایان جنگ این سیاست‌ها را از سر گرفت. چندین عامل سبب از سرگیری سیاست‌های توسعه طلبانه عربستان سعودی شده است، از جمله:

- انهدام ماشین جنگی عراق که موجب شده عربستان سعودی خود را بدون رقیب در منطقه احساس کند؛ لذا، تلاش می‌کند از فرصت پیش آمده برای دست‌یابی به اهداف خود، با تکیه بر ادعاهای تاریخی، نهایت استفاده را بنماید.

- تشدید بحران در روابط ایران و امارات عربی متحده در مورد جزیره ایرانی ابوموسی نیز فرصت خوبی برای عربستان سعودی فراهم آورد تا اهداف توسعه طلبانه و دیرینه خود را در منطقه تعقیب کند.

- پشتیبانی همه جانبه دولت‌های غربی و آمریکا از ادعاهای بی پایه امارات عربی متحده نیز این توهم را برای دولتمردان سعودی ایجاد کرده که زمان مناسب برای مطرح ساختن خواست‌های تاریخی فرا رسیده است.

۱۳- تحریم شورای همکاری خلیج فارس

دولت قطر اعلام کرد که در اعتراض به اشغال بخش‌هایی از خاک این کشور توسط عربستان سعودی از شرکت در نشست‌های شورای همکاری خلیج فارس خودداری خواهد کرد. این کشور مشارکت خود را در این شورا موکول به عقب نشینی نیروهای نظامی عربستان سعودی و پیدا شدن يك راه حل قابل قبول برای اختلافات مرزی دو کشور نمود. قطر همچنین اعلام کرد: در صورتی که راه حلی برای اختلافات مرزی این کشور با عربستان سعودی یافت نشود، کلیه احتمالات، از جمله تعلیق عضویت خود در شورای همکاری خلیج فارس و خروج از آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در همین راستا، قطر چندین اجلاس شورای همکاری خلیج فارس را تحریم کرد، از جمله در اجلاس وزیران دفاع شورا که در آبان ۱۳۷۱ در کویت تشکیل شد، شرکت نکرد. در این نشست مسائل نظامی و امنیتی منطقه، از جمله طرح توسعه کمی و کیفی نیروهای نظامی مشترک کشورهای عضو (موسوم به سپر جزیره)، امکان مشارکت این نیروها در مانورهای مشترک و احداث يك واحد تولید جنگ افزار نظامی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

قطر در اجلاس وزیران دارایی و اقتصاد شورای همکاری نیز که به منظور یکسان کردن تعرفه‌های گمرکی کشورهای عضو در ریاض تشکیل شد، شرکت نکرد. همچنین این کشور از شرکت در اجلاس وزیران کشور شورای مذکور که در کویت برگزار شد، خودداری کرد. اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو

در همین حال قطر تلاش کرد عربستان سعودی را به عقب نشینی نیروهایش متقاعد کند، لکن با برخورد سرد و طلبکارانه ریاض روبرو شد. عدم خروج نیروهای نظامی سعودی از خاک قطر موجب شد که این کشور ضمن تماس با سفرای ۵ کشور عضو دائمی شورای امنیت در دوحه و نیز مذاکره با بطروس غالی دبیر کل سازمان ملل متحد، خواهان مطرح شدن تجاوز عربستان سعودی در شورای امنیت سازمان ملل شود. آمریکا اولین کشوری بود که پاسخ منفی به این درخواست قطر داد و مقامات دوحه را دعوت به خویشتن داری کرد.

ادوارد جرجیان معاون وزیر خارجه آمریکا در این مورد نامه‌ای برای وزیر امور خارجه قطر فرستاد. در این نامه گفته شده بود: «واشنگتن طرح این مساله را در شورای امنیت به مصلحت اعراب و شورای همکاری خلیج فارس نمی‌داند و ادامه تبلیغات پیرامون تهاجم عربستان به قطر را به نایب سیاست‌های آمریکا و دوستان عربش در منطقه ارزیابی می‌کند».^(۴۲)

۱۲- علل تجاوز نظامی عربستان

تا پیش از سال ۱۹۹۲، علیرغم ناخشنودی قطر از اقدامات عربستان سعودی، هیچ گونه خشونت‌ی بین دو کشور بروز نکرده بود و با وجود سیاست‌های توسعه طلبانه عربستان سعودی، قطر همواره روابط نزدیکی با این کشور داشت. دو کشور دارای يك قرار داد دفاعی دوجانبه با یکدیگر می‌باشند که در سال ۱۹۸۲ به امضاء رسیده است.^(۴۳) از طرف دیگر آل ثانی که در قطر حکومت می‌کند، تنها خاندان وهابی مذهب در خارج از عربستان هستند و جهت گیری‌های سیاسی آنان با سیاست عربستان سعودی بستگی نزدیک دارد. به عبارت دیگر، سیاست خارجی قطر مثل سایر کشورهای کوچک خلیج فارس توسط عربستان سعودی هدایت می‌شود. در این میان، عامل جغرافیایی یعنی نزدیکی فیزیکی قطر با عربستان سعودی را نباید نادیده گرفت.

روابط میان عربستان و قطر، مانند روابط کشوری بزرگ با کشوری کوچک است که رهبران آن به تنهایی تأثیری در نظام بین‌المللی ندارند، برخورد عربستان سعودی با قطر رفتار کشوری بزرگ با کشوری کوچک، با جمعیتی اندک و تازه به استقلال رسیده است که خود قادر به ایستادگی در برابر فشارهای خارجی و تشنجات داخلی نمی‌باشد.

مساحت قطر ۱۱۵۰۰ کیلومتر مربع است و جمعیت آن در سال ۱۹۹۰ حدود ۳۷۰ هزار نفر بوده است.^(۴۴) قطر از نظر نظامی فوق العاده آسیب پذیر و دارای ارتشی ۶ هزار نفری می‌باشد که فقط ۳۰ درصد افراد آن را اتباع قطر تشکیل می‌دهند. تعداد افراد نیروی دریایی قطر ۷۰۰ نفر و نیروی هوایی آن ۸۰۰ نفر می‌باشد. قطر پایگاه دریایی و یا فرودگاه نظامی ندارد. در این مورد طرح‌هایی از سال ۱۹۸۵ شروع شد که بعداً به تعویق افتاد.^(۴۵) به طور کلی در سرتاسر تاریخ سیاسی جهان کشورهای کوچک مانند قطر همواره ناچار بوده‌اند برای حفظ امنیت و بقای خود، حمایت قدرت‌های بزرگ را به دست آورند.

در برخی مواقع نیز این کشورها تلاش ناامیدانه‌ای به عمل آورده‌اند تا با اعلام بیطرفی به گونه‌ای ابراز وجود کنند و استقلال عمل برای خود قائل شوند، اما اتخاذ سیاست مستقل توسط کشورهای کوچک هنگامی کار ساز و معتبر است که توسط همسایگان قدرتمند آن‌ها پذیرفته شود.

به نظر «آنت بیگر فاکس» کشورهای کوچک تلاش می‌کنند بین دو قطب قدرت توازن به وجود آورند، اما این موضع آن‌ها به عدم توازن موجود میان دو قطب قدرت می‌افزاید».^(۴۶)

قطر در سال‌های اخیر کوشیده است از وابستگی شدید خود به عربستان سعودی بکاهد. از دیدگاه قطر، عربستان سعودی و ایران دو قدرت بزرگ منطقه هستند و این کشور ضمن تمایل به حفظ رابطه با هر دو کشور، از بهم خوردن موازنه قوا میان آن‌ها به شدت نگران است. به همین جهت، قطر سعی دارد در سیاست خارجی خود در رابطه با ایران و عربستان سعودی توازن را رعایت کند.

علیرغم عضویت قطر در شورای همکاری خلیج فارس، جناح بندی‌ها و موضع گیری‌های داخل شورا نشان می‌دهد که قطر در پاره‌ای موارد، از جمله در مورد روابط با ایران، از عربستان دور شده است.^(۴۷) به عنوان مثال به دنبال کشتار بیش از ۴۰۰ نفر از اثران خانه خدا در مراسم حج سال ۱۹۸۷، که بیشتر آنها ایرانی بودند، عربستان سعودی روابط سیاسی خود را به طور یکجانبه با

شورا نیز بدون حضور قطر در ابوظبی تشکیل شد.

قطر همچنین هشتمین نمایشگاه مشترک بازرگانی کشورهای عضو شورا در کویت را تحریم و از شرکت در سمینارها و مسابقات ورزشی کشورهای عضو شورا خودداری کرد. این کشور سپس نیروهای نظامی خود را از ارتش مشترک شورای همکاری (سپر جزیره) فراخواند. سپر جزیره عنوان شاخه نظامی شورای همکاری خلیج فارس است که در سال ۱۹۸۵ تشکیل شد.

قطر از شیوه برخورد شورای همکاری خلیج فارس در قبال اختلافات مرزی این کشور با عربستان ناخشنود بود. سفیر قطر در بنگلادش در زمینه علل تحریم شورای همکاری خلیج فارس گفت: «برخی از اعضای این شورا اعتراض قطر در مورد رسیدگی به مساله مرزی بین کشورش و عربستان را نادیده گرفتند و این موضوع سبب تحریم اجلاس از سوی قطر شد.»

وی افزود: «قطر امیدوار بود که این شورا با تعیین یک کمیته ویژه اختلافات مرزی بین دو کشور را بررسی کند و عربستان را ملزم به رعایت قرارداد مرزی سال ۱۹۶۵ نماید.»^(۵۱)

برخی از اعضای شورای همکاری نیز در اختلافات مرزی و ارضی بین قطر و عربستان به طور آشکار از کشور اخیر حمایت می کردند. در این مورد می توان از بحرین نام برد. شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه امیر بحرین از موضع عربستان سعودی در اختلافات مرزی با قطر تقدیر کرد. وی در این مورد اظهار داشت: «عربستان با آرام کردن اوضاع وظیفه خود را انجام داده است. برخوردهای مرزی مربوط به گذشته می شود و دست زدن به تبلیغات مطبوعاتی علیه عربستان و ایراد سخنان پر سروصدا شایسته قطر نیست. قرارداد مرزی بین دو کشور نمی تواند به طور یکجانبه نقض شود»^(۵۲). از دیدگاه بحرین «نقش مهم استراتژیک عربستان سعودی را در حمایت از امنیت و ثبات منطقه نباید نادیده گرفت».

باید اشاره کرد که بحرین و قطر در مورد مالکیت چند جزیره کوچک واقع در آب های بین دو کشور اختلاف دارند. از طرف دیگر، جانبداری دولت عربستان سعودی از بحرین در مورد جزایر مذکور نیز موجبات ناخشنودی عمیق دولت قطر را فراهم آورده بود.

در این میان برخی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تلاش می کردند تا با میانجیگری، اختلافات عربستان سعودی و قطر را حل و فصل کنند. شیخ سعد عبدالله الصباح نخست وزیر کویت به همین منظور از جده و دوحه دیدار و با مسئولین هر دو کشور مذاکره کرد. شیخ زاید آل نهمان رئیس امارات عربی متحده نیز ضمن میانجیگری، خواهان همبستگی اعراب شد. کشورهای مذکور تلاش می کردند قبل از برگزاری اجلاس سران کشورهای عضو شورای همکاری در ابوظبی در ۲۲ دسامبر ۱۹۹۲ اختلافات بین عربستان و قطر حل و فصل شود. اما تلاش کشورهای مذکور، به علت آشتی ناپذیری قطر با شکست مواجه شد. امیر قطر حتی مبارک علی الخاطر وزیر مشاور و وزیر امور خارجه پیشین این کشور را به دلیل اظهاراتش در باره روابط با عربستان از کار برکنار کرد. وی اعلام کرده بود که بزودی خبرهای خوشی در مورد روابط عربستان و قطر منتشر خواهد شد. «خاطر» اظهار امیدواری کرده بود که کلیه مسائل مربوط به روابط عربستان و قطر به منظور تقویت روند شورای همکاری خلیج فارس حل و فصل گردد.

موضع گیری سرسختانه قطر در برابر عربستان سعودی سبب شگفتی دیپلمات ها و ناظران خارجی شد و آنها از تصمیم دولت قطر برای مقابله با سیاست های توسعه طلبانه و تجاوزکارانه عربستان سعودی ابراز تعجب کردند. به نظر آن ها، قطری ها تاکید دارند که دیگر به نقش عربستان سعودی به عنوان یک قدرت برتر در بین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس تن نخواهند داد.

۱۴- موضع گیری سایر کشورها

در حالیکه برخی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس در اختلافات مذکور از عربستان حمایت می کردند، ایران و عراق پشتیبانی خود را از قطر اعلام داشتند. رئیس جمهوری اسلامی پیامی در این زمینه برای امیر قطر فرستاد و ایران اعلام کرد که آماده است در صورت تکرار تجاوز عربستان سعودی، به کمک قطر بشتابد.^(۵۳) امیر قطر نیز پیامی برای رئیس جمهوری ایران فرستاد و طی آن «از مواضع حکیمانه ایران در قبال مناقشه مرزی بین

عربستان سعودی و قطر قدردانی» کرد.^(۵۴) ایران اعلام کرده بود که اختلافات مرزی قطر و عربستان سعودی باید از طریق مذاکرات دوجانبه و روح تفاهم و همکاری حل و فصل شود.

صدام حسین رئیس جمهوری عراق نیز در این مورد پیامی برای ولیعهد و فرمانده ارتش قطر ارسال داشت. دولت عراق به عربستان سعودی به شدت هشدار داد که از دخالت در دیگر کشورهای عربی به ویژه کشورهای منطقه خلیج فارس خودداری کند، چرا که این امر خطر ایجاد مشکلاتی را در داخل خود عربستان به دنبال خواهد داشت. نوری نجم المرسومی وزیر مشاور در امور اطلاعات عراق اعلام کرد: «عربستان به خطا تصور می کند که می تواند قطر، یمن، سودان، و یا هر کشور دیگری را مورد حمله قرار دهد. ریاض بهای سنگینی برای این اقدام های خود خواهد پرداخت. دیگر کشورهای عربی منطقه نیز می توانند مشکلاتی در داخل شبه جزیره عربی ایجاد کنند.» وی اضافه کرد: «به با نفوذترین اعضای خانواده سلطنتی عربستان سعودی توصیه می شود محتاط تر باشند و از سیاست تجاوزکارانه علیه کشورهای عربی همسایه خودداری کنند.»^(۵۵)

آمریکا و کشورهای غربی اعلام کردند که خواستار حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات ارضی بین قطر و عربستان سعودی هستند. فرانسه تمایل خود را به میانجیگری بین قطر و عربستان سعودی اعلام کرد و وزیر امور خارجه آن کشور هنگام دیدار از قطر تمایل کشورش را در این مورد که یک راه حل دوستانه برای حل و فصل مناقشه مرزی قطر و عربستان پیدا کند، ابراز داشت. «لارنس ایگل برگر» کفیل وزارت امور خارجه آمریکا در این مورد اظهار داشت: «آمریکا برای حل مناقشات ارضی میان کشورها، از راه های مسالمت آمیز حمایت می کند و این موضع در برابر اختلافات ارضی عربستان با قطر و کشورهای خلیج فارس با ایران در مورد ابوموسی یکسان است.»^(۵۶)

قطر پس از کویت و بحرین، سومین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس است که پس از جنگ خلیج فارس یک پیمان امنیتی با آمریکا منعقد ساخته است. در این پیمان ها همکاری نظامی نزدیک و تمرین های مشترک و احتمالاً استقرار تجهیزات نظامی آمریکا در کشورهای مذکور پیش بینی شده است.

۱۵- موافقتنامه مرزی دسامبر ۱۹۹۲

به منظور حل و فصل اختلافات مرزی دو کشور، قطر خواستار آن بود که:

- ۱- قبل از هرگونه مذاکره، نیروهای نظامی عربستان سعودی از تمام مناطق اشغالی قطر به ویژه پاسگاه مرزی الخفوس عقب نشینی کنند.
- ۲- یک کمیته مشترک متشکل از نمایندگان دو کشور برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات مرزی تشکیل شود.

- ۳- در صورتی که این کمیته موفق به حل و فصل اختلافات مرزی بین دو کشور نشود، موضوع به یک دادگاه بین المللی ارجاع گردد.

در مقابل عربستان سعودی ضمن اعلام پای بندی خود به موافقتنامه مرزی ۱۹۶۵ خواستار تعیین یک شرکت بین المللی خصوصی برای نقشه برداری و تعیین خطوط مرزی و نیز تنظیم نقشه نهایی از خطوط مرزی آبی و خاکی دو کشور براساس موافقتنامه ۱۹۶۵ بود.

فهد شاه عربستان سعودی در این مورد اظهار داشت: «دو کشور باید یک شرکت خارجی را مامور تعیین مرزهای خود براساس قرارداد ۱۹۶۵ کنند.» وی افزود: «ما سعی داریم این مساله را با خرد و منطق حل کنیم، زیرا عربستان سعودی و کشور برادر قطر از پیوندهای تاریخی محکمی برخوردارند که این رویدادها نمی تواند در آن تاثیر بگذارد.»^(۵۷)

دولت قطر با پیشنهاد عربستان سعودی مخالفت کرد، زیرا آنرا مغایر با ماده ۵ موافقتنامه مرزی ۱۹۶۵ می دانست. دولت قطر در این مورد اعلام کرد که عربستان سعودی ماده ۵ قرار داد را که در آن تشکیل یک کمیسیون مختلط برای هدایت این موسسه پیش بینی شده، نادیده می گیرد. به نوشته مطبوعات دولتی قطر، بدون تشکیل این کمیسیون چه کسی موسسه بین المللی مذکور را به محل کار و نظارت برادامه آن راهنمایی خواهد کرد؟! با نزدیک تر شدن زمان برگزاری اجلاس سران کشورهای عضو شورای

۳- دو کشور موافقت می‌کنند که يك نقشه به موافقتنامه مرزی ۱۹۶۵ ضمیمه کنند.

۴- کمیسیون مشترکی از نمایندگان عربستان سعودی و قطر، وظیفه تعیین مرزهای زمینی دو کشور را برعهده گیرد.^(۵۸)

به دنبال امضای این موافقتنامه مرزی، نیروهای عربستان سعودی از پاسگاه الخفوس فراخوانده شدند و امیر قطر نیز در اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس شرکت کرد. به این ترتیب، به موجب موافقتنامه مرزی ۱۹ دسامبر ۱۹۹۲ قطر قسمت دیگری از اراضی سوق الجیشی خود را به عربستان سعودی واگذار کرد، زیرا الخفوس که عربستان آن را به قطر پس داده، از سال ها قبل بخشی از خاک قطر بوده است. عربستان سعودی در سال های اخیر به تدریج قسمتهائی از خاک قطر را به تصرف درآورده و به موجب قراردادهای مرزی ۱۹۶۵ و ۱۹۷۴ بر بخشی از اراضی قطر در جنوب و جنوب شرقی این کشور یعنی خورالعدید دست اندازی کرده است. طبق موافقتنامه مرزی اخیر نیز بر بخش دیگری از سرزمین قطر در جنوب غربی این کشور یعنی خلیج سلوا تسلط یافته است. با توجه به سیاست های توسعه طلبانه عربستان سعودی در سال های گذشته، این احتمال وجود دارد که روند مذکور همچنان ادامه یابد و دولت عربستان به موافقتنامه مرزی دسامبر ۱۹۹۲ نیز پایبندی نشان ندهد.

همکاری خلیج فارس، تلاش های جدیدی از طرف مصر برای میانجیگری صورت گرفت. در جریان اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی در جده، ملاقاتی بین فهد شاه عربستان و وزیر امور خارجه قطر انجام شد. دولت عربستان این مذاکرات را «بارزش» توصیف کرد.

به دنبال کوشش های حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر به منظور نزدیک کردن دیدگاه های عربستان و قطر به یکدیگر برای پایان دادن به اختلافات مرزی بین دو کشور، يك اجلاس سه جانبه متشکل از سران سه کشور در ۱۹ دسامبر ۱۹۹۲ در مدینه برگزار شد. در این نشست موافقتنامه ای برای حل و فصل اختلافات مرزی بین دو کشور به امضاء رسید. این موافقتنامه توسط وزرای امور خارجه دو کشور و در حضور روسای سه کشور مصر، عربستان سعودی و قطر امضاء شد. جزئیات موافقتنامه مرزی مذکور منتشر نشده است اما برخی از نکات این موافقتنامه به شرح زیر می باشد:

۱- عربستان سعودی نیروهای نظامی خود را از پاسگاه الخفوس تا مساحت ۵ کیلومتری جنوب آن عقب خواهد کشید.

۲- میان عربستان سعودی و قطر ۲۵۰ کیلومتر مربع زمین مبادله خواهد شد و ازاء واگذاری نقطه الخفوس به قطر، دولت این کشور از اراضی واقع در شمال نقطه مرزی سلوا چشم پوشی خواهد کرد.^(۵۸)

۲۵- وزارت امور خارجه، کتاب سبز قطر (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸) ص ۱.

۲۶- جعفری ولدانی، همان منبع، ص ۳۲۶.

۲۷- Shuaiba.

۲۸- Zarrara.

۲۹- رادیو بی.بی.سی. مورخ ۹ مهرماه ۱۳۷۱.

۳۰- Litwak, op. cit, p. 51.

۳۱- Alan J. Day, (Editor) Border and Territorial Disputes (London: Longman Group V. K. Ltd, Longman House, 1987) p. 253.

۳۲- Ras Khumays.

۳۳- Meed, Aug. 1, 1980.

۳۴- EIU, Bahrain, Qatar, country report, No. 4, 1991, p. 15.

۳۵- جهان اسلام، ۱۲ مهرماه ۱۳۷۱.

۳۶- Kayhan International, Nov. 26, 1992.

۳۷- اطلاعات، ۱۱ مهرماه ۱۳۷۱.

۳۸- رسالت، ۵ آبان ۱۳۷۱.

۳۹- ابرار، ۲۷ مهرماه ۱۳۷۱.

۴۰- اطلاعات، ۲۳ مهرماه ۱۳۷۱.

۴۱- جمهوری اسلامی، ۳۰ مهرماه ۱۳۷۱.

۴۲- جمهوری اسلامی، ۱۴ مهرماه، ۱۳۷۱.

۴۳- Europa World Year Book, 1990, Vol. 11, p. 2146.

۴۴- L. F. S, June 1992, p. 428.

۴۵- ELU. Bahrain, Qatar. Country Profile 1991 - 92, p. 23.

۴۶- A. B. Fox, «The Power of Small States: Diplomacy in World War 11, (Chicago: University of Chicago Press, 1959) p. 187.

۴۷- وزارت امور خارجه، کتاب سبز قطر، ص ۴۶.

۴۸- بنگرید به:

بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی - شماره های ۱۷-۱۸، مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۶۷ ص ۷۶

۴۹- جمهوری اسلامی، ۱۵ آذر ۱۳۷۱

۵۰- ابرار، ۸ آذر ۱۳۷۱

۵۱- جمهوری اسلامی، ۱۵ آذر ۱۳۷۱

۵۲- ابرار، ۲۸ مهرماه ۱۳۷۱

۵۳- رسالت، ۱۴ مهرماه ۱۳۷۱

۵۴- ابرار، ۲۲ مهرماه ۱۳۷۱

۵۵- اطلاعات، ۱۹ مهرماه ۱۳۷۱

۵۶- اطلاعات، ۱۱ مهرماه ۱۳۷۱

۵۷- اطلاعات، ۱۴ مهرماه ۱۳۷۱

۵۸- جهان اسلام، ۳ دی ماه ۱۳۷۱

۵۹- اطلاعات، ۳۰ آذر ۱۳۷۱

● زیرنویس ها

۱- دکتر اصغر جعفری ولدانی، «کانونهای بحران در خلیج فارس» (تهران: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱) ص ۳۲۶.

۲- Salva

۳- محمدعلی جناح «خلیج فارس و آشنایی با امارات آن» (تهران: چاپ شریعت و شرق ۱۳۴۹) ص ۱۴۱

۴- Khor al Odaid

۵- Offshore

۶- بنگرید به

Hasan, Amin, «International and Legal Problems of the Gulf (London: Middle East and North Africa Studies Press Ltd, 1981) p. 131».

۷- Belly

۸- صادق نشات، تاریخ سیاسی خلیج فارس، (تهران: شرکت نسبی کانون کتاب)، صص ۷۱-۲۷.

۹- Encyclopedia Britanica, Vol. 18, 1973 p. 910.

۱۰- Hasa

۱۱- بنجامین شوادران، خاورمیانه، نفت و قدرت های بزرگ، ترجمه عبدالحسین شریفیان (تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۵۴) صص ۲۷۰-۲۶۸.

۱۲- وزارت امور خارجه ایران، پیوست سند شماره ۶۷، مورخ ۳۰ آبان ۱۳۱۵، نمره ۳۷۷۲۸.

۱۳- نشات، همان منبع، ص ۳۸۹.

۱۴- نامه سرکنسولگری ایران در بیروت به وزارت امور خارجه ایران، پیوست سند شماره ۷۱ مورخ ۱۴ تیرماه ۱۳۱۸.

۱۵- همان منبع و نیز روزنامه النهار، ۲۶ ژوئن ۱۹۳۹.

۱۶- Donald Hawley, «The trucional States» (London: George Allen & Unwin Ltd, 1969) p. 290.

۱۷- Ramon, Knauerhase, «Saudi Arabia: A brief History» Current History, Feb. 1975, p. 83.

۱۸- Standstill agreement.

۱۹- Sydney Nettleton Fisher, «The Middle East a History (London: Routledge and Kegan Paul, 1971) p. 563.

۲۰- Hawley, op. eit, p. 290.

۲۱- Ibid.

۲۲- Wakrah

۲۳- Robert, Litwak, «Security in The Persian Gulf, 2: Sources of Interstate Conflci, (London: The International Institute for Strategic Studies, Gower, 1981) p. 51.

۲۴- Ibid